

## **The Impact of Export Diversification and Trade Openness on Gender Development in MENA Countries**

**Zahra Azizi\***

### **Abstract**

Foreign trade and improving the quality of exports are among the strategies that have been considered to achieve higher economic development in many countries. A quick look at the theories of international trade shows that the general consensus of theories is that trade causes the economic growth and development of countries and these positive effects can affect different aspects of people's lives. One of the important dimensions of economic and social development is the status of women and their benefit from the development process. For this reason, this research has investigated the effect of trade openness and export diversification, as two important components of trade and its structure, on the gender development index. In this paper, Middle East and North Africa (MENA) region data and statistical information between 1995 and 2021 in the framework of the panel data regression model is used. This research shows that trade openness and export diversification have a positive and significant effect on the gender development index and its sub-indices.

**Keywords:** Gender Development, Trade Openness, Export Diversification, Women's Quality of Life.

**JEL classification:** F10, I31, O11, O24.

\* Assistant Professor of Economics, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran, z.azizi@alzahra.ac.ir

Date received: 2022/12/06, Date of acceptance: 2023/06/17



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## تأثیر تنوع صادراتی و بازبودن تجاری بر توسعه جنسیتی در کشورهای منطقه منا

زهرا عزیزی\*

### چکیده

تجارت خارجی و بهبود کیفیت صادرات از جمله راهکارهایی است که برای دستیابی به توسعه اقتصادی بالاتر در بسیاری از کشورها مورد توجه قرار گرفته است. نگاهی گذرا به نظریات تجارت بین‌الملل نشان می‌دهد، اجماع کلی نظریات بر این است که تجارت باعث رشد و توسعه اقتصادی کشورها می‌شود. این آثار مثبت می‌تواند ابعاد مختلفی از زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از ابعاد مهم توسعه اقتصادی و اجتماعی، وضعیت زنان و بهره‌مندی آنها از فرایند توسعه است. به همین سبب پژوهش حاضر به بررسی تأثیر بازبودن تجاری و متنوع‌سازی صادرات، به عنوان دو مؤلفه مهم تجارت و ساختار آن، بر شاخص توسعه جنسیتی پرداخته است. این پژوهش با در نظر گرفتن منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه و اطلاعات آماری بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۱ در چارچوب مدل رگرسیون داده‌های پانل نشان می‌دهد که بازبودن تجاری و متنوع‌سازی صادرات تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه جنسیتی و زیر شاخص‌های مربوط به آن داشته است.

**کلیدواژه‌ها:** توسعه جنسیتی، بازبودن تجاری، متنوع‌سازی صادرات، کیفیت زندگی زنان

طبقه بندی JEL: F10, I31, O11, O24

\* استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران،  
z.azizi@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷



## ۱. مقدمه

نظریات تجارت بین‌الملل اغلب نشان می‌دهد، تجارت باعث رشد و توسعه اقتصادی کشورها شده و در پی آن سبب بهبود و افزایش توسعه انسانی می‌شود (راینز (Ranis)، ۲۰۰۴). این درحالیست که منافع ناشی از باز بودن تجاری در یک اقتصاد می‌تواند به ساختار تجاری آن و ترکیب کالاهای صادراتی وابسته باشد. عدم تنوع صادراتی و عموماً تمرکز بر صادرات منابع نفتی و مواد خام، وابستگی اقتصاد کشور را به درآمدهای صادراتی افزایش می‌دهد و هرگونه نوسان در این بخش می‌تواند تمام نظام اقتصادی را دچار اختلال کند (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۹)؛ اما تنوع صادراتی بالا به عنوان عامل ضربه‌گیر در مقابل شوک‌های خارجی عمل می‌کند و نوسانات وارد شده بر متغیرهای کلان، را تا حدودی تعدیل می‌سازد (دانینگ (Dunning)، ۲۰۰۵). در واقع، متنوع‌سازی صادرات می‌تواند نوسانات درآمدهای صادراتی را کاهش دهد، زیرا با تنوع صادراتی، سبد کالایی صادرات مانند پرتفوی عمل می‌کند و ریسک را کاهش می‌دهد (حسه (Hesse)، ۲۰۰۹: ۵۶). از اینرو متنوع‌سازی صادرات نیز در کنار باز بودن تجاری می‌تواند آثار مثبت و منفی بر توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی کشورها داشته باشد.

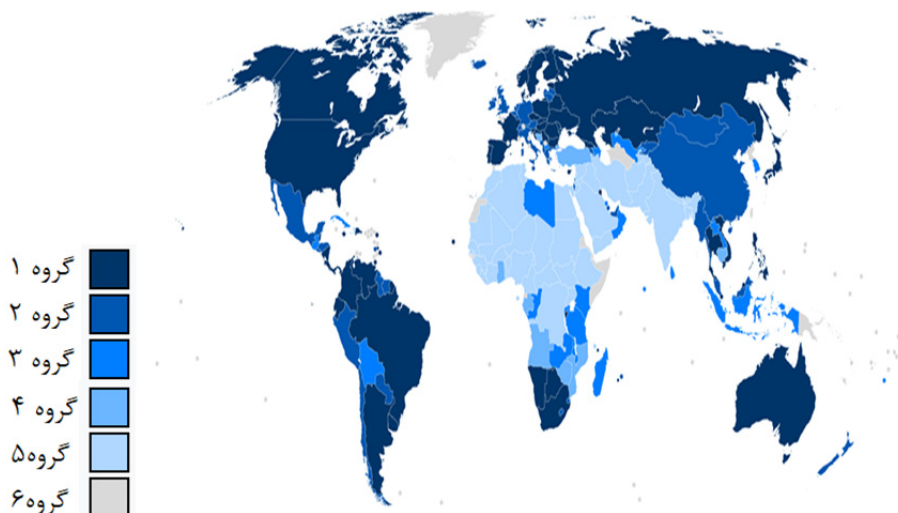
یکی از ابعاد توسعه اقتصادی و اجتماعی وضعیت زنان و بهره‌مندی آنها از فرایند توسعه است (کارلس (Charles)، ۱۹۹۲). عدالت در توزیع و بهره‌مندی همه افراد جامعه از فرایند توسعه نشان‌دهنده وجود توازن در توسعه است. پیشرفت در برابری جنسیتی از ارکان مهم توسعه اقتصادی، اجتماعی است. تبعیضات جنسیتی فراگیر در حیات اقتصادی کشورها باعث می‌شود تا سیاست‌های تجاری تأثیرات متفاوتی را برای زنان و مردان داشته باشد. در صورتی که گسترش صادرات به قیمت نابودی کارگران زن و نادیده‌گرفتن امنیت شغلی آنان شود، به افزایش نابرابری جنسیتی در فرصت‌ها و مزایای حاصل از تجارت می‌انجامد (بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی (World Bank & World Trade Organization)، ۲۰۲۰: ۲).

کشورهای درحال توسعه اغلب به دنبال سیاست‌های افزایش صادرات هستند و از آنجا که اقتصاد این کشورها اغلب مبتنی بر صادرات تک‌محصولی یا خام‌فروشی است، سیاست متنوع‌سازی صادرات نیز در بسیاری از این کشورها مطلوب بوده و از اهداف برنامه‌های تجاریشان محسوب می‌شود. در طول سه دهه گذشته، بسیاری از کشورهای درحال توسعه اصلاحاتی در اقتصاد داشته‌اند که شامل سیاست‌های تجاری است. این در حالیست که توجه

### تأثیر تنوع صادراتی و بازبودن تجاری بر ... (زهرآ عزیز) ۵۳

اندکی به تأثیر جنسیتی این اصلاحات شده است. در واقع سیاست‌های تجاری، مانند هر سیاست اقتصادی دیگر، به دلیل ایجاد دسترسی متفاوت برای زنان و مردان به منابع و به دلیل نقش‌های متفاوت آن‌ها چه در اقتصاد بازار و چه در خانواده، دارای تأثیرات متمایز شده از نظر جنسیتی هستند (فونتانو (Fontana)، ۲۰۰۳: ۲۵). سیاست‌های تجاری تأثیرات بازتوزیعی مهمی در اقتصاد دارند که می‌تواند تفاوت‌های موجود مانند نابرابری جنسیتی را افزایش یا کاهش دهد. وجود این اثرات متفاوت بر زنان و مردان سبب شده است که در این پژوهش به بررسی آثار باز بودن تجاری و تنوع صادراتی به‌عنوان دو استراتژی مطرح در موضوع تجارت، بر توسعه جنسیتی و ابعاد آن در کشورهای منطقه منا پرداخته شود. تعاملات بین تجارت و توسعه جنسیتی با هنجارها و نهادهای اجتماعی موجود در هم تنیده شده است. در نتیجه، این ارتباط می‌تواند در مناطق مختلف متفاوت باشد. برای سیاستگذاران بسیار مهم است که پیش‌بینی کنند که آیا این سیاست‌ها بر نابرابری جنسیتی تأثیر می‌گذارند؟ و همچنین جهت اثرگذاری آنها شناسایی شود تا از قطبی‌سازی و طرد اجتماعی جلوگیری کنند و اقدامات اصلاحی را در نظر بگیرند. از اینرو هدف اصلی این مقاله پاسخ به این پرسش است که دو شاخص مهم تجارت بین‌الملل یعنی باز بودن تجاری و تنوع صادراتی چه تأثیری بر شاخص توسعه جنسیتی و زیرشاخص‌های آن در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا دارد؟

دیدگاه جنسیتی به توسعه انسانی برای کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه (منا) که همچنان نابرابری جنسیتی قابل‌توجهی در آن باقی‌مانده و توانایی توسعه اقتصادی آن را رو به تحلیل می‌برد، واجد اهمیت بیشتری است (گزارش برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۲۰). در شکل ۱ می‌توان وضعیت نسبی توسعه جنسیتی را در میان کشورهای مختلف ملاحظه نمود. در این شکل کشورهای گروه ۱ بیشترین شاخص توسعه جنسیتی و کشورهای گروه ۶ کم‌ترین مقدار آن را دارا هستند. بر این اساس کشورهای منطقه منا وضعیت مطلوبی را در این رابطه ندارند.



شکل ۱. نقشه وضعیت شاخص توسعه جنسیتی در جهان  
منبع: برنامه توسعه سازمان ملل (United Nations Development Programme) (۲۰۲۰)

علی‌رغم پذیرش و درک اهمیت این مسأله، دیدگاه‌های مربوط به آن، به‌عنوان یکی از محدودترین زمینه‌های مطالعاتی این کشورها باقی مانده و توسط تصمیم‌گیران، به‌عنوان یک موضوع حاشیه‌ای و فرعی با آن برخورد می‌شود. اما در حال حاضر، تحولات جمعیت‌شناختی کشورهای منا، به‌طور اساسی با تحولات اقتصادی ترکیب شده و ضرورت ورود به فضای رقابتی در شرایط جهانی شدن نیز، بیش از این اجازه نمی‌دهد که پرداختن به مباحث جنسیتی، موضوعی تجملی تلقی گردد. این مسائل باید یک بخش کامل و آشکار سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه کوتاه‌مدت و بلندمدت کشورهای منطقه منا قرار گیرند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۳).

پژوهش حاضر از چند جهت دارای نوآوری است. اول اینکه، مطالعات اندکی در رابطه با اثر تجارت بر توسعه جنسیتی وجود دارد. مطالعات متعددی به بررسی آثار تجارت بر وضعیت زنان پرداخته‌اند، که اغلب بر وضعیت اشتغال و یا دستمزد زنان تمرکز یافته‌اند (مطالعات بلک و برینرد (Black and Brainerd) (۲۰۰۴)، یاسمین (Yasmin) (۲۰۰۹)، رحمان (Rahman) (۲۰۱۱)، موکرچی و چودری (Mukhopadhyay and Chaudhuri) (۲۰۱۱)، جان و همکاران (Juhn et al) (۲۰۱۳)، جمیلا و کاواباتا (Jamielaa and Kawabata) (۲۰۱۴)، گاچوکی (Gachoki) (۲۰۲۲) از

## تأثیر تنوع صادراتی و بازبودن تجاری بر ... (زهرآ عزیز) ۵۵

این دست مطالعات هستند) و یا بیشتر پژوهش‌ها تنها حول یک زیرشاخص توسعه جنسیتی مانند آموزش یا درآمد سرانه انجام شده‌اند (نظیر شولتز (Schultz) (۲۰۰۷)، فاروق و همکاران (Farooq et al) (۲۰۱۹)، افشاری و خوشه گل‌گروسی (۱۳۹۴))؛ رویکردی که حصول تصویری جامع را به دنبال نخواهد داشت. این در حالی است که توسعه جنسیتی و زیرشاخص‌های مربوط به آن می‌تواند ابعاد گسترده‌تری از توسعه اقتصادی و اجتماعی زنان را در برداشته باشد. از طرف دیگر کشورهای مناغلب وضعیت خوبی را در این شاخص تجربه نمی‌کنند.

دوم اینکه این پژوهش، علاوه بر در نظر گرفتن توسعه تجارت در قالب شاخص باز بودن تجاری، به بررسی اثر تنوع صادراتی نیز می‌پردازد. این در حالیست که این ارتباط تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. از اینرو این مطالعه تلاشی برای پر کردن شکاف موجود در ادبیات مربوط به ارتباط تجارت با نابرابری جنسیتی از دیدگاه ایجاد تنوع در صادرات است.

این مقاله شامل ۶ بخش است. پس از مقدمه، در بخش مبانی نظری، نظریات مرتبط با توسعه جنسیتی و نحوه اثرگذاری بازبودن تجاری و تنوع صادراتی بر آن بررسی شده است. در بخش سوم به بررسی پیشینه تجربی موضوع پرداخته می‌شود. در بخش چهارم، مدل و روش برآورد آن معرفی گردیده و در بخش پنجم نتایج تجربی به دست آمده از برآورد الگوها تبیین می‌گردد. در انتها نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات حاصل از این پژوهش بیان می‌شود.

## ۲. مبانی نظری

طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی، مفاهیم جدیدی از توسعه مطرح گردید که در آن‌ها توسعه فقط سنجش مادی درآمد نبود؛ بلکه توسعه فرآیندی چندبعدی تلقی می‌شد که باید تغییرات عمده در ساختارهای اجتماعی، تسریع رشد اقتصادی و کاهش نابرابری را در پی داشته باشد. براساس این نگرش، که "توسعه انسانی" (Human Development) نامیده می‌شود، علاوه بر رشد اقتصادی، انسان و شاخص‌های مربوط به وی، دارای اهمیت است. به ویژه دو مفهوم «رشد همراه با عدالت» و «توزیع مجدد رشد» که از مفاهیم اجتماعی و انسانی است جایگاه ویژه خود را در تعاریف توسعه پیدا کردند (عزیزی، ۱۳۹۵: ۱۲۴).

در سال ۲۰۰۰، ۱۸۹ کشور عضو سازمان ملل، ۸ هدف کلی را تحت عنوان اهداف کلی توسعه هزاره تصویب کردند که مواردی از آن مرتبط با زنان بود که عبارت‌اند از: ترویج

برابری‌های جنسیتی و توانمندسازی زنان و بهبود سلامت مادران (افشاری و خوشه گل گروسی، ۱۳۹۴: ۳۵).

اهمیت شکاف جنسیتی به حدی است که نهادهای بین‌المللی، نظیر برنامه توسعه سازمان ملل، رتبه‌بندی کشورها بر مبنای شاخص توسعه انسانی (HDI: Humen Development Index) را برحسب جنسیت تعدیل کردند و بر این اساس شاخص توسعه جنسیتی (GDI: Gender Development Index) را منتشر نمودند. این شاخص از تقسیم شاخص توسعه انسانی زنان بر شاخص توسعه انسانی مردان بدست می‌آید:

$$GDI = \frac{HDI_f}{HDI_m}$$

بنابراین شاخص توسعه جنسیتی به اندازه‌گیری نابرابری‌های جنسیتی در دستیابی به سه بعد اساسی توسعه انسانی می‌پردازد. این سه بعد شامل سلامت (با معیار امید به زندگی در بدو تولد)، آموزش (با دو معیار میانگین سال‌های تحصیل و نرخ باسوادی) و درآمدسرانه می‌باشد (گزارش توسعه انسانی (Human Development Report)، ۲۰۲۲). از آنجا که شاخص توسعه جنسیتی از نسبت توسعه انسانی زنان به مردان بدست می‌آید، بهره‌مندی نسبی زنان را در زمینه توسعه نشان می‌دهد. براین اساس مقدار این شاخص اغلب بین صفر و یک است. هر چه به یک نزدیک‌تر باشد، برابری بیشتر و هرچه مقدار این شاخص کوچک‌تر شود، به این معناست که شاخص توسعه انسانی برای زنان کمتر از مردان است و نابرابری بیشتر را در امر توسعه نشان می‌دهد.

بی‌تردید زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت، تأثیر مستقیمی در توسعه جامع دارند. هدف هر جامعه‌ای، به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی است و رفاه اجتماعی تابعی از درآمد سرانه، توزیع عادلانه درآمد، بهبود سطح امکانات آموزشی، بهداشتی، رفاهی و میزان مشارکت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی مردان و زنان می‌باشد.

رویکردهای توسعه مبتنی بر صادرات در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه جهان منجر به تنوع در اقتصاد شده و روند ایجاد شغل را که در آن تعداد فزاینده‌ای از زنان شاغل شده‌اند، سرعت بخشیده است. با توجه به رشد روزافزون در روند جهانی شدن، بسیاری از زنان در کشورهای در حال توسعه دسترسی به بازار کار به ویژه در بخش صادرات را تجربه کرده‌اند. (گوش (Ghosh)، ۲۰۲۲: ۱۲۸)

به طور کلی تجارت از مسیرهای مختلفی بر توسعه جنسیتی تأثیرگذار است، یکی از مهم‌ترین مسیرها برای این اثرگذاری از طریق توسعه اقتصادی است. همچنین تجارت از طریق



تأثیر تنوع صادراتی و بازبودن تجاری بر ... (زهرآ عزیز) ۵۷

سیاست‌های تجاری که شامل تغییر در ترکیب سبد صادراتی است نیز می‌تواند بر توسعه جنسیتی موثر واقع گردد. در ادامه به بررسی اثر هر یک بر توسعه جنسیتی می‌پردازیم.

## ۱.۲ ارتباط بازبودن تجاری و توسعه جنسیتی

همان‌طور که بیان شد، باز بودن تجاری و سیاست‌های آزادسازی، از طریق تأثیرگذاری بر متغیرهای کلان باعث توسعه اقتصادی و به تبع آن توسعه انسانی می‌شود که بر وضعیت زنان نیز اثرگذار است. توسعه اقتصادی از طریق توسعه بازار و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید سبب کاهش نابرابری‌های ناشی از رفتار تبعیضی در بازار کار می‌شود. (رادول (Radol)، ۲۰۱۲) ضمن این‌که به تدریج تبعیض در زمینه‌های آموزش، دسترسی به منابع مالی، برخورداری از امکانات رفاهی و به تبع آن، تبعیض علیه زنان را کاهش می‌دهد (بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، ۲۰۲۰: ۲)

هم‌چنین توسعه اقتصادی فرصت‌های شغلی بیشتری را پیشروی زنان قرار داده و پیشرفت فن آوری به زنان امکان می‌دهد زمان بیشتری را به موقعیت‌های شغلی بیرون از خانه و بالعکس زمان کم‌تری را بر روی کشاورزی و کارهای بی‌مزد درون خانه اختصاص دهند. افزایش دسترسی زنان به مشاغل، بر سهم درآمدی آنها در خانواده افزوده و قدرت چانه‌زنی آنان را در اقتصاد افزایش می‌دهد. این افزایش قدرت چانه‌زنی، به زنان قدرت و منزلت اجتماعی بیشتری بخشیده و میزان نابرابری‌های جنسیتی را کاهش می‌دهد (میترا (Mitra)، ۲۰۱۳).

آزادسازی تجاری از دو راه موجب افزایش رفاه زنان می‌شود: درآمد بیشتر جامعه در سطح کلان و درآمد بیشتر زنان در سطح خرد. اول این‌که، آزادسازی تجاری موجب افزایش درآمد دولت و در نتیجه افزایش تولید کالاهای عمومی و خدمات رفاهی می‌شود. بنابراین منابع دولتی می‌تواند به سمت منافع اجتماعی مثل حمایت‌های اجتماعی، مدارس و تسهیلات بهداشتی تغییر جهت دهد. (دیزجی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۶). از اینرو با ایجاد رشد اقتصادی منجر به دسترسی بیشتر زنان به شرایط مناسب‌تر از قبیل آموزش و بهداشت می‌شود و منجر به کاهش نابرابری جنسیتی می‌گردد (زارع شحنه و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۲).

دوم، به دلیل ایجاد مشاغل بیشتر برای مردان و زنان، درآمد زنان را نیز افزایش داده و موجب بهره‌برداری بیشتر آنان از آموزش و بهداشت می‌شود. از اینرو از نقطه نظر خرد، رفاه زنان به دلیل مشارکت آنان در اقتصاد افزایش می‌یابد (طاهرخانی، ۱۳۸۳: ۱۰۲).

افزایش درجه باز بودن اقتصاد و افزایش مناسبات اقتصادی با خارج از کشور، می‌تواند فضا را برای حضور زنان در اقتصاد بیشتر کند (افشاری و خوشه گل گروسی، ۱۳۹۴)؛ چراکه در حرکت به سمت جهانی شدن، فشار ناشی از رقابت در تجارت، هزینه تبعیض علیه زنان را افزایش می‌دهد (گاچوکی (Gachoki)، ۲۰۲۲: ۴۴).

گزارش مشترک بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۲۰ بر اساس بررسی مطالعات تجربی موجود در این زمینه بیان می‌کند که تجارت بین الملل به چند طریق سبب بهبود وضعیت زنان در جوامع می‌شود:

- شرکت‌هایی که در تجارت بین‌المللی فعالیت می‌کنند، زنان بیشتری را استخدام می‌کنند. در کشورهای در حال توسعه و نوظهور، زنان به طور متوسط ۳۳ درصد از نیروی کار شرکت‌هایی را تشکیل می‌دهند که تجارت می‌کنند، اما فقط ۲۴ درصد اشتغال در شرکت‌های غیر صادراتی را تشکیل می‌دهند.
- تجارت دستمزد زنان و برابری اقتصادی را افزایش می‌دهد. در سطح جهان، زنان سهم کمتری از کل دستمزدها را به خانه می‌برند. زمانی که تولید کالاهای صادراتی کشورهای در حال توسعه رشد می‌کند، سهم زنان از کل دستمزدهای تولیدی، از طریق ترکیبی از افزایش اشتغال و حقوق بالاتر، افزایش می‌یابد.
- تجارت مشاغل بهتری را برای زنان ایجاد می‌کند (گاچوکی، ۲۰۲۲). هم در اقتصادهای در حال توسعه و هم در اقتصادهای نوظهور، کارگران در بخش‌هایی با سطوح بالای صادرات، به احتمال زیاد به طور رسمی استخدام می‌شوند (همراه با مزایا، آموزش و امنیت شغلی).
- باز بودن تجارت می‌تواند رفاه زنان را از طریق افزایش درآمد واقعی افزایش دهد. (بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، ۲۰۲۰: ۴-۳).

## ۲.۲ ارتباط متنوع‌سازی صادرات و توسعه جنسیتی

منظور از متنوع‌سازی صادرات، افزایش تعداد کالاهای صادراتی و کاهش وابستگی به یک منبع درآمدی است. در مطالعات مختلف، تعریف‌های متفاوتی از متنوع‌سازی صادرات ارائه شده است؛ برای مثال، در برخی مطالعات مانند الونگ و سیگل (Alwang & Seigol) (۱۹۹۴) و فرانتینو (Ferrantino) (۱۹۹۷)، متنوع‌سازی به مفهوم توسعه ترکیب صادرات کشور از

## تأثیر تنوع صادراتی و بازبودن تجاری بر ... (زهرآ عزیز) ۵۹

کالاهای اولیه به کالاهای صنعتی بیان شده است. همچنین در گروه دیگری از مطالعات مانند هیرش و لئو (Hirsch & Leu) (۱۹۷۱) و مکبین و نگوئین (Macbean & Nguyen) (۱۹۸۰) متنوع‌سازی به صورت عدم تمرکز ترکیب صادراتی کشور در تعداد محدودی از کالاهای صادراتی بیان شده است. به این ترتیب، هرچه صادرات کشور در تعداد بیشتری از کالاهای صادراتی متبلور شود، متنوع‌سازی بیشتر خواهد بود.

در سال‌های اخیر رویکردهای توسعه مبتنی بر صادرات در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه جهان به متنوع‌سازی در صادرات منجر شده و روند ایجاد شغل را که در آن تعداد بیش‌تری از زنان به کار گرفته شده‌اند، سرعت بخشیده است (گوش، ۲۰۲۲: ۱۲۸). نکته مهمی که در گروه کشورهای منا وجود دارد، تمرکز صادراتی بالای آنهاست. بر اساس آمارهای منتشرشده از شاخص تنوع صادراتی توسط کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد: UNCTAD)، اغلب این کشورها صادراتی متمرکز دارند، از اینرو اغلب دولت‌های این منطقه سعی در گسترش و تنوع بخشیدن به سبد صادراتی کشور خود داشته‌اند (کایریو (Kireyev)، ۲۰۲۱).

زنان در سراسر جهان از طریق صنایع کم دستمزد و صادرات محور وارد بازار کار شده‌اند که اغلب مردان در آن مزیت طبیعی ندارند. کسب و کارهای کوچک فرصت‌های بیشتری را برای فعالیت زنان ایجاد می‌کنند. از طرفی این صنایع بیشتر تحت تأثیر بیماری هلندی بوده و با اتکا به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات مواد اولیه و خام بیشتر آسیب می‌بینند. (اونیانگی (Oniyangi)، ۲۰۱۳: ۲). بسیاری از تجربیات جهانی نشان می‌دهد که افزایش صادرات در کشورهای در حال توسعه با افزایش تقاضا برای اشتغال زنان همراه بوده است و شدت اشتغال زنان در مناطق صادرات محور بیشتر است (گوش، ۲۰۲۲). به ویژه صنعتی شدن در کشورهای در حال توسعه عمدتاً به نیروی کار زنان وابسته است و حضور زنان را در اقتصاد افزایش می‌دهد (طاهرخانی، ۱۳۸۳: ۱۰۲).

با توجه به وابستگی اغلب این کشورها به درآمدهای ناشی از صادرات مواد خام و اولیه، اهمیت تنوع صادراتی و نقش آن در توسعه جنسیتی زنان بیش‌ازپیش احساس می‌شود. هنگامی که توسعه اقتصادی تحت تأثیر متنوع‌سازی صادرات قرار می‌گیرد، این تأثیر به طور غیرمستقیم تمامی ابعاد و شاخص‌های توسعه را در برمی‌گیرد. اگر بخواهیم توجه خود را تنها بر بخش جنسیتی توسعه یعنی بخش زنان معطوف کنیم خواهیم دید که بخشی از تأثیرات صادرات متوجه کسب و کار زنان خواهد شد. زمانی که تصمیم دولت‌ها بر تغییر سبد

صادراتی باشد، بخشی از کالاهایی که توسط زنان تولید می‌شود می‌تواند در این سبد جدید جای گیرد که به طور مستقیم باعث افزایش اشتغال و درآمد می‌شود. اما می‌تواند تأثیرات غیرمستقیم فراوانی بر تمامی ابعاد زندگی آنها داشته باشد؛ چرا که ورود به این عرصه جدید نیازمند کسب مهارت و دانش بیشتری است که خود موجب افزایش آموزش در بین زنان می‌شود. این آموزش‌ها نه تنها باعث ایجاد حس خودباوری در آنها شده بلکه کیفیت زندگی آنها را ارتقا می‌بخشد که در سطوح رفاهی، بهداشتی و... می‌تواند تجلی یابد.

به گفته ثامن (Samen) (۲۰۱۰)، تنوع محصولات صادراتی و مقاصد بازار منبع بزرگی برای مقابله با چالش بیکاری و کاهش رشد در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه و اجتناب از خطرات اقتصادی و سیاسی است. تنوع صادراتی از طریق ایجاد ثبات اقتصادی به کاهش عدم تعادل جنسیتی کمک می‌کند. از اینرو تنوع صادراتی برای به حداکثر رساندن منافع حاصل از تجارت بر بهبود کیفیت زندگی زنان کلیدی است (بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، ۲۰۲۰).

### ۳. پیشینه تجربی پژوهش

امروزه کاهش نابرابری جنسیتی و تبعیض علیه زنان مسأله‌ای است که توجه بسیاری را در محافل علمی داخلی و جهانی به خود معطوف کرده است. پژوهش‌های اقتصادی بسیاری را می‌توان مشاهده کرد که به بررسی تاثیر متغیرهای اقتصادی بر وضعیت زنان در بازار کار، اشتغال و یا درآمد پرداخته‌اند. این درحالیست که ابعاد زندگی زنان بسیار گسترده تر بوده و فقدان داده‌های تفکیک شده بر اساس جنسیت، تحقیقات در این حوزه را با مشکل مواجه کرده است.

در پژوهش حاضر به دنبال بررسی اثر باز بودن تجاری و تنوع صادراتی به‌عنوان دو مؤلفه مهم تجارت بر توسعه جنسیتی هستیم. اگر چه ادبیات موجود در رابطه با اثر تجارت بر توسعه به ویژه توسعه انسانی که تفکیکی بین شاخص‌های مربوط به زنان و مردان قائل نمی‌شود، گسترده است (مطالعاتی نظیر نواکوسکی (Nowakowski)، ۲۰۰۵؛ دیویس و کوئین لیوان (Davies and Quinlivan)، ۲۰۰۶؛ حسین و همکاران (Hussain et al)، ۲۰۱۰؛ مصطفی و همکاران (Mustafa et al)، ۲۰۱۷؛ تسوکالیدا و یانگ (Tsokalida and Yang)، ۲۰۱۹؛ مکیان و همکاران، ۱۳۹۱؛ احمدی و حضار مقدم، ۱۳۹۲؛ میرباقری هیر و همکاران، ۱۳۹۳؛

## تأثیر تنوع صادراتی و بازبودن تجاری بر ... (زهرآ عزیز) ۶۱

عزیزی، ۱۳۹۵؛ سلاطین و الفت، ۱۳۹۷) اما در مقابل پژوهش‌های مرتبط با اثر تجارت بر سایر شاخص‌های توسعه نظیر توسعه جنسیتی بسیار کم و محدود است.

بلک و برینرد (Black and Brainerd) (۲۰۰۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان جهانی‌شدن و شکاف جنسیتی به بررسی تبعیض در دستمزد زنان و مردان پرداخته‌اند. یک پیامد اصلی پویایی مدل تبعیض بکر (Becker) (۱۹۵۷) این است که افزایش رقابت در بازار محصولات، تبعیض را در طولانی مدت از بین خواهد برد. محققان با استفاده از نظریه تبعیض بکر سعی در بررسی تبعیض جنسیتی در بازار کار در ایالات متحده برای سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۳ در بخش تولید داشتند. آنان با مقایسه صنایع متمرکز در مقابل صنایع رقابتی دریافتند که باز بودن تجارت بین‌الملل برای کارگران زن مفید است، زیرا احتمال تبعیض در دستمزد در صنعت را کاهش می‌دهد.

شولتز (Schultz) (۲۰۰۷)، رابطه بین تجارت بین‌الملل و برابری جنسیتی را بررسی کرده است. نمونه مورد بررسی متشکل از ۷۰ کشور و برای دوره زمانی ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۰ و برای فواصل ۵ ساله انتخاب شده و محقق از روش‌های OLS و 2SLS برای برآورد استفاده کرده است. نتایج به دست آمده گویای آن است که اقدامات مختلف در جهت ایجاد محدودیت‌های تجاری تأثیر منفی بر وضعیت زنان به‌ویژه در آموزش و بهداشت داشته است و برخلاف آن، سیاست‌های آزادسازی تجارت در کاهش نابرابری بین زنان و مردان مؤثر است و سطح سرمایه انسانی و برابری جنسیتی را بهبود می‌بخشد. وی همچنین نشان می‌دهد که صادرات منابع طبیعی اثر منفی بر آموزش و بهداشت زنان داشته است.

یاسمین (۲۰۰۹)، تعیین دستمزد در بازار کار پاکستان را از طریق آزادسازی تجارت و سرمایه انسانی و ویژگی‌های شغلی بررسی کرد. برای این منظور از گردآوری داده‌های مربوط به ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۱ و ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶ برای تخمین عملکرد استفاده کرده است. یافته‌های حاصل از تخمین گویای آن است که آزادسازی تجارت تأثیر مثبتی در کاهش شکاف دستمزد بین زنان و مردان در پاکستان دارد، اما تأثیری در افزایش بهره‌وری و مهارت کارگران ندارد و در این زمینه منافعی از آزادسازی تجارت به دست نمی‌آید.

رحمان (۲۰۱۱) رابطه بین آزادسازی تجارت و شکاف جنسیتی در صنعت پوشاک بنگلادش را بررسی کرده، زیرا صنعت پوشاک در بنگلادش منبع عمده صادرات با درآمد و سهم قابل توجه در تولید ناخالص داخلی به همراه بیشترین تعداد کارگر زن است که در این کشور کار می‌کند. یافته‌های حاصل از مطالعه او ترکیبی از نتایج مثبت و منفی آزادسازی

تجارت در مورد تمایز جنسیتی است. این مطالعه نشان داد که در صورت وجود فرصت‌های شغلی، کارگران زن پنج برابر بیشتر از مردان از مزایای تجارت برخوردار هستند، اما هنوز شکاف درآمد بین زن و مرد وجود دارد و به نظر می‌رسد، سطح پایین تحصیلات و مهارت زنان، زمان کار و نگرش و عقاید نسبت به اشتغال زنان مانع اصلی این تمایز است.

موکرجی و چودری (Mukhopadhyay and Chaudhuri) (۲۰۱۱)، تأثیر سیاست‌های آزادسازی اقتصادی بر نابرابری دستمزد را بررسی کردند. آنها یک مدل تعادل عمومی ۳ بخشی برای بررسی بخش صادراتی که کارگران زن در آن فعال هستند معرفی کردند. تفاوت‌هایی در بهره‌وری زنان و مردان وجود دارد که به دلیل تفاوت در بهره‌مندی از آموزش و تغذیه مناسب است. نتایج نشان می‌دهد که کاهش تعرفه‌ها ممکن است نابرابری دستمزد جنسیتی را کاهش دهد، اما ممکن است اثرات مخربی بر رفاه داشته باشد. در حالی که ورود سرمایه خارجی ممکن است با وجود بهبود رفاه اقتصاد، نابرابری را تشدید کند. با این حال، سیاست‌های دولت برای در دسترس بودن امکانات آموزشی و بهداشتی در جهت حذف نابرابری جنسیتی باید افزایش یابد.

جان و همکاران (۲۰۱۳)، به بررسی رابطه آزادسازی تجارت و نابرابری جنسیتی در مکزیک پرداختند. این محققان برای بررسی این موضوع، از داده‌های پنل متوازن برای ۹۳۸ شرکت استفاده کردند. همچنین از داده‌های خرد برای تجزیه و تحلیل شرکت‌ها برای سال‌های ۱۹۹۲ و ۲۰۰۱ برای سیاست‌های تجاری مکزیک در قبال قراردادهای تجارت آزاد آمریکای شمالی NAFTA استفاده نمودند. نتایج تجربی به دست آمده نشان می‌دهد آزادسازی تجارت تأثیر مثبتی بر اشتغال و دستمزد کارگران زن دارد و باعث افزایش آن می‌شود.

ساجد و یولاه (۲۰۱۴)، به بررسی اثر باز بودن تجارت بر شکاف جنسیتی می‌پردازند. هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیر باز بودن تجارت بر برابری جنسیتی در استخدام در گروه D8 متشکل از بنگلادش، مصر، اندونزی، ایران، مالزی، نیجریه، پاکستان و ترکیه در بازه زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲ بود. برآورد داده‌های پنل با مدل اثر تصادفی صورت گرفته است. نتایج مدل اصلی شامل باز بودن تجارت و برابری جنسیتی در اشتغال که با تمرکز ویژه بر میزان مشارکت نیروی کار است، نشان می‌دهد که باز بودن تجارت در ایجاد اثر مثبت در سطح برابری جنسیتی در اشتغال بسیار مهم است.

جمیلا و کاواباتا (۲۰۱۴)، در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر باز بودن تجارت بر شکاف جنسیتی دستمزد در اندونزی به بررسی اطلاعات افراد بین ۱۵ تا ۶۵ سال برای سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴

### تأثیر تنوع صادراتی و بازبودن تجاری بر ... (زهرآ عزیز) ۶۳

پرداخته است. روش اقتصادسنجی استفاده شده در این پژوهش حداقل مربعات معمولی OLS است و نتایج گواه این است که باز بودن تجاری می‌تواند باعث کاهش در شکاف موجود در دستمزد زنان و مردان شود.

فاروق و همکاران (Farooq et al) (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان ارتباط آزادسازی تجارت و نابرابری جنسیتی و توسعه اقتصادی به بررسی ۱۸ کشور در حال توسعه منتخب در بازه زمانی ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۷ می‌پردازد. برای بررسی رابطه بین متغیرها از روش ARDL پنل استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که باز بودن تجارت و نابرابری جنسیتی در آموزش و اشتغال تأثیر منفی بر تولید ناخالص داخلی سرانه در کشورهای در حال توسعه دارد. باتوجه به این نتایج و باتوجه به اهمیت باز بودن تجارت و برابری جنسیتی برای توسعه اقتصادی، این مطالعه پیشنهاد می‌دهد که، سیاست بازبودن تجاری که منجر به افزایش صادرات و فراهم کردن فرصت‌های برابر برای زنان و مردان در آموزش و اشتغال می‌شود، باید به منظور دستیابی به سطوح بالاتر توسعه اقتصادی و برقراری برابری جنسیتی در کلیه فعالیت‌های اقتصادی لحاظ شود.

بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی (۲۰۲۰) در یک گزارش مشترک با بررسی داده‌های تجربی در مناطق مختلف جهان نشان دادند که باز بودن تجارت می‌تواند رفاه زنان را افزایش دهد. همچنین در این گزارش بیان شده است که تجزیه و تحلیل برای نمونه‌ای از ۵۴ کشور در حال توسعه و نوظهور نشان می‌دهد که حذف تعرفه‌های واردات می‌تواند درآمد واقعی را برای زنان سرپرست خانوار در مقایسه با مردان سرپرست خانوار در بیش از سه چهارم کشورهای مورد بررسی را افزایش دهد.

گوش (۲۰۲۲) رابطه بین رشد، تجارت و مشارکت زنان در بازار کار را با استفاده از سیستم معادلات همزمان در کشور هند طی دوره ۱۹۹۱-۲۰۱۹ بررسی کرد. وی شواهدی از "زنانه شدن نیروی کار" (feminization of labor force) در رابطه با تنوع تجارت یافت. تنوع صادرات به ویژه در بخش تولید، دارای تخصص نسبی برای زنان است و از این رو با افزایش تنوع صادرات، فرصت‌های کار زنان نیز بهبود می‌یابد.

گاچوکی (۲۰۲۲) عوامل تعیین‌کننده بر اشتغال زنان در بخش کشاورزی کنیا را بررسی کرده است. در این مطالعه از یک رویکرد ARDL برای دوره ۱۹۸۰-۲۰۱۹ استفاده شده است. نتایج آن نشان می‌دهد که درآمد سرانه، تورم و صادرات باعث تشویق اشتغال زنان می‌شود، در حالی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نرخ باروری و واردات بر اشتغال زنان در

بخش کشاورزی در کنیا تأثیر منفی دارد. وی بر اساس نتایج بدست آمده بیان می‌کند که باید بازبودن تجارت در شکل صادرات برای افزایش اشتغال زنان در بخش کشاورزی در کنیا ترویج شود.

بررسی مطالعات داخلی نشان می‌دهد تأثیر تجارت بر توسعه جنسیتی کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است. تنها مطالعه ای که در ایران اثر باز بودن تجارتی را بر نابرابری جنسیتی در نظر گرفته است مطالعه افشاری و خوشه گل گروسی (۱۳۹۴)، است که به بررسی تأثیر مخارج دولت بر نابرابری جنسیتی در آموزش در کشورهای منتخب حوزه منا پرداخته‌اند. ایشان از داده‌های متغیرهای نابرابری جنسیتی در آموزش، سهم مخارج آموزشی در کل مخارج دولت، تولید ناخالص داخلی سرانه، درجه باز بودن اقتصاد و متغیر مجازی برای دموکراسی مربوط به کشورهای منتخب حوزه منا استفاده کرده‌اند. داده‌های مورد استفاده به صورت ترکیبی و برای دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۰ و روش داده‌های تابلویی مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش باز بودن تجاری سبب افزایش توسعه جنسیتی در آموزش شده است.

همانگونه که ملاحظه می‌شود پژوهش‌های صورت گرفته، اکثراً حول محور شکاف موجود در دستمزد زنان و مردان و یا مولفه‌های دیگر مربوط به بازار کار متمرکز بوده‌اند. در این میان مطالعه شولتز (۲۰۰۷) ابعاد بیشتری از توسعه جنسیتی نظیر بهداشت و آموزش زنان را در نظر گرفته است. وی به بررسی نقش آزادسازی تجاری و حذف موانع آن بر این مولفه‌ها پرداخته و مطالعه وی متمرکز بر منطقه خاصی نمی‌باشد. در حالیکه در مقاله حاضر ابعاد بیشتری از توسعه جنسیتی در نظر گرفته شده است و از شاخص بازبودن تجاری استفاده شده که می‌تواند ابعاد تحقق یافته‌ای از سیاست‌های آزادسازی را در خود لحاظ نماید، و همچنین نقش تنوع صادراتی نیز در کشورهای منطقه منا بررسی شده است. جدیدترین مطالعه در این زمینه گوش (۲۰۲۲) است که تنها مطالعه‌ای است که تنوع صادراتی را نیز به عنوان یک عامل مهم در وضعیت اشتغال زنان در هند در نظر گرفته است.

#### ۴. الگوی پژوهش

در این پژوهش تأثیر باز بودن تجاری و تنوع صادراتی بر توسعه جنسیتی و زیرشاخص‌های آن بررسی می‌شود. در این راستا از داده‌های ۱۲ کشور منطقه منا طی دوره ۲۰۲۱-۱۹۹۵ استفاده شده است (با توجه به دسترسی به داده‌های آماری در دوره مورد نظر، کشورهای زیر در



بررسی‌ها لحاظ شده‌اند: بحرین، مصر، ایران، عراق، اردن، کویت، مراکش، مالت، پاکستان، قطر، عربستان سعودی و تونس). ۴ مدل به صورت مجزا مورد برآورد قرار می‌گیرد که در هر یک از آنها یکی از شاخص‌های توسعه زنان به عنوان متغیر وابسته استفاده می‌شود. در ۳ الگوی اول تأثیر این دو مولفه از تجارت بر زیرشاخص‌های مربوط به توسعه انسانی در زنان در نظر گرفته شده است. همچنین در الگوی چهارم از متغیر توسعه جنسیتی به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. برآورد ۳ الگوی اول نشان می‌دهد تجارت چه تأثیری بر کیفیت زندگی زنان از ابعاد درآمدی، آموزش و بهداشت دارد، اما با در نظر گرفتن الگوی چهارم بهره‌مندی نسبی زنان از توسعه توسط شاخص توسعه جنسیتی (GDI) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. چرا که آثار تجارت بر ابعاد زندگی زنان می‌تواند همسو با مردان باشد اما میزان این اثرگذاری و بهره‌مندی نسبی آنها می‌تواند متفاوت باشد.

$$GNIF_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 TROPEN_{it} + \alpha_2 EXDIV_{it} + \alpha X_{it} + u_{it} \quad (1)$$

$$EDUF_{it} = \beta_0 + \beta_1 TROPEN_{it} + \beta_2 EXDIV_{it} + \beta X_{it} + v_{it} \quad (2)$$

$$LIFF_{it} = \theta_0 + \theta_1 TROPEN_{it} + \theta_2 EXDIV_{it} + \theta X_{it} + w_{it} \quad (3)$$

$$GDI_{it} = \gamma_0 + \gamma_1 TROPEN_{it} + \gamma_2 EXDIV_{it} + \gamma X_{it} + e_{it} \quad (4)$$

در این معادلات GNIF شاخص درآمد سرانه زنان، EDUF شاخص آموزش زنان، LIFF شاخص امید به زندگی زنان و GDI شاخص توسعه جنسیتی است که متغیرهای وابسته در ۴ الگوی مجزا برای برآورد اثر مولفه‌های تجارت هستند. شاخص توسعه جنسیتی و زیرشاخص‌های آن هر ساله توسط برنامه توسعه سازمان ملل (United Nations Development Programme (UNDP)) منتشر می‌شود. مقدار آن بین عدد صفر و یک تغییر می‌کند و هرچه بالاتر باشد نشان‌دهنده توسعه جنسیتی بالاتر است.

TROPEN بازبودن تجاری (Trade Openness) است که از نسبت تجارت یک کشور (مجموع صادرات و واردات)، بر تولید ناخالص داخلی بدست می‌آید.

$$TROPEN = \frac{X+M}{GDP} \quad (5)$$

هم‌چنین در این معادلات EXDIV شاخص متنوع سازی صادرات (Export Diversification) است که توسط کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد)، بر اساس معیار تمرکز هرفیندال - هیریشمن محاسبه شده است و مقادیر آن بین صفر و یک قرار می‌گیرد. این شاخص با فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

$$H = \frac{\sqrt{\sum_{i=1}^N (S_i)^2} - \sqrt{\frac{1}{N}}}{1 - \sqrt{\frac{1}{N}}} \quad (۶)$$

$S_i$  سهم صادرات محصول  $i$  ام از کل صادرات کشور و  $N$  تعداد کالاهای صادراتی کشور است. طبق این محاسبه هر چه میزان شاخص به عدد یک نزدیک شود، حکایت از اتکا بر صادرات انفرادی کالاها دارد. یعنی درجه بالاتر تخصصی بودن صادرات آن کشور و اعداد نزدیک صفر، بیان‌کننده درجه کمتر تمرکز صادرات یا تنوع بیشتر صادراتی است. بنابراین مقادیر بزرگ‌تر شاخص تمرکز بیشتر صادرات را نشان می‌دهد. برای همخوانی جهت تغییرات این شاخص با متنوع‌سازی صادرات، مقادیر آن از یک کم شده است. بدین ترتیب، هرچه میزان شاخص متنوع‌سازی صادرات به دست‌آمده افزایش یابد و به عدد یک نزدیک شود، نشان‌دهنده تنوع صادراتی بیشتر است و هرچه مقادیر آن کمتر شود، تنوع کمتری را نشان می‌دهد (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۷ و افشاری و سیاوشی، ۱۳۹۸).

در نهایت بردار  $X$  شامل متغیرهای کنترل است که بر اساس موارد مشترک و بیشتر استفاده‌شده در پیشینه پژوهش، نرخ شهرنشینی (Urbanization rate) و نسبت مخارج دولت (Government Expenditure) به GDP در تخمین وارد شده‌اند. تمامی متغیرها به شکل لگاریتمی در تخمین وارد شده‌اند.

آمارهای مربوط به صادرات، واردات، تولید ناخالص داخلی، متنوع‌سازی صادرات، نرخ شهرنشینی و نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی از پایگاه کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد) و تمامی زیر شاخص‌های توسعه جنسیتی و شاخص GDI از پایگاه برنامه توسعه سازمان ملل گردآوری شده است.

## ۵. نتایج تجربی

در این بخش با استفاده از داده‌های پانل بین‌کشوری در منطقه منا و طی سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۱ تاثیر باز بودن تجاری و تنوع صادراتی بر توسعه جنسیتی بررسی می‌گردد.

### ۱.۵ آمارهای توصیفی

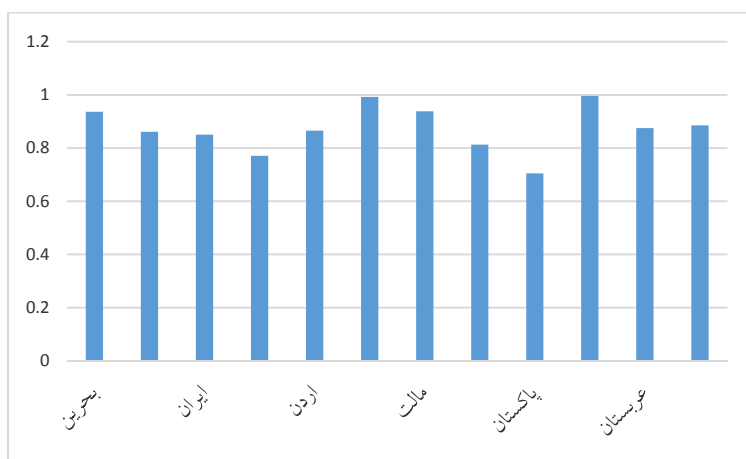
در ابتدا در جدول ۱ آمارهای توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش ارائه می‌گردد.

تأثیر تنوع صادراتی و بازبودن تجاری بر ... (زهرآ عزیز) ۶۷

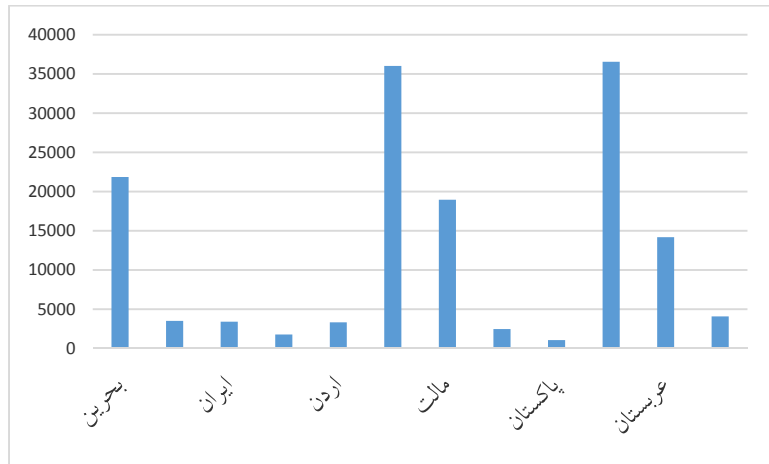
جدول ۱. آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش  
منبع: یافته‌های تحقیق

نرخ شهرنشینی	نسبت مخارج دولت به GDP	تنوع صادراتی	بازبودن تجاری	شاخص توسعه جنسیتی	شاخص آموزش زنان	امید به زندگی زنان	درآمد سرانه زنان	
۷۳/۳۹	۱۷/۰۸	۰/۲۸۳	۹۵/۹۳	۰/۸۷۲	۰/۵۶۹	۷۵/۳۸	۱۲۱۲۰	میانگین
۷۵/۶۳	۱۷/۱۶	۰/۲۷۸	۸۵/۶۸	۰/۸۷۲	۰/۶۱۶	۷۶/۳۰	۴۱۱۸	میانه
۱۰۰/۰۰	۳۳/۰۱	۰/۵۱۴	۳۲۲/۶۷	۱/۰۲۷	۰/۹۹۴	۸۶/۲۲	۴۶۳۰۹	بیشترین
۳۱/۸۳	۲/۳۳	۰/۱۰۱	۰/۰۲	۰/۵۸۷	۰/۰۰۴	۶۰/۳۹	۴۸۶	کمترین
۲۰/۴۰	۵/۱۸	۰/۰۹۲	۶۲/۶۷	۰/۰۸۸	۰/۲۱۳	۵/۱۲	۱۳۰۵۱	انحراف معیار
-۰/۴۸	۰/۳۲	۰/۳۱۸	۱/۷۴	-۰/۵۹۳	-۰/۶۲۶	-۰/۴۲	۱/۰۵۸	چولگی
۲/۱۱	۳/۲۶	۲/۳۰۲	۶/۰۶	۳/۳۰۷	۲/۸۵۴	۲/۸۰	۲/۷۱۵	کشی‌دگی

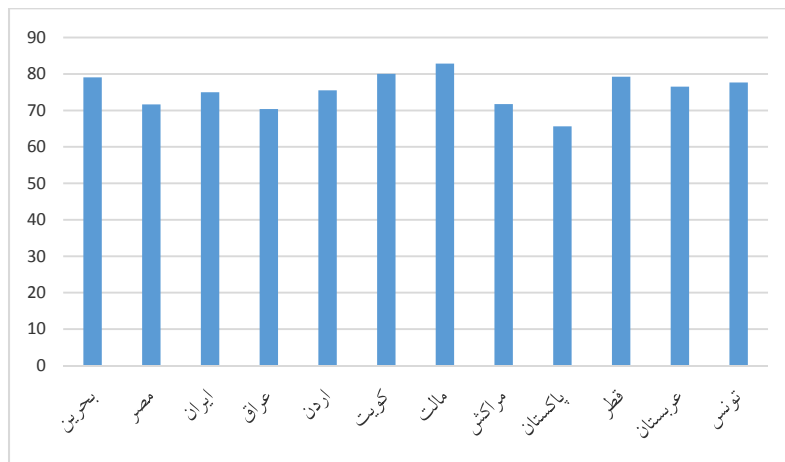
در جدول ۱ شاخص‌های آماری مربوط به متغیرهای پژوهش ارائه شده است. از آنجا که مدل پژوهش شامل ۱۲ کشور است، به منظور درک بهتر وضعیت شاخص‌ها در گروه کشورهای مورد بررسی، زیرشاخص‌های توسعه زنان و توسعه جنسیتی به صورت میانگین دوره در این گروه از کشورها در نمودار ۱ تا ۴ ارائه شده است.



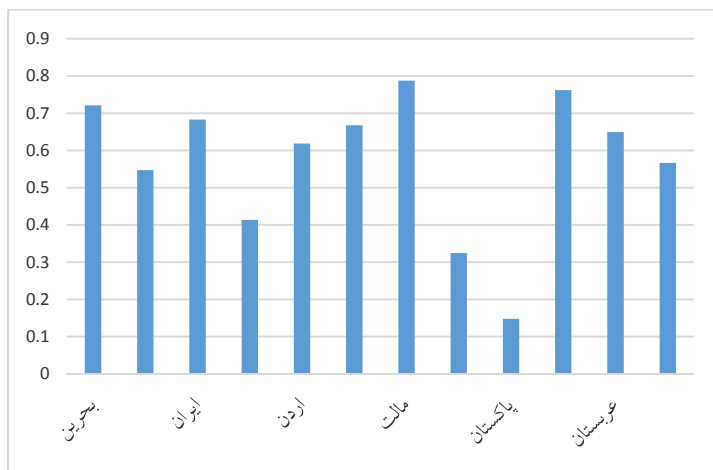
نمودار ۱. میانگین شاخص توسعه جنسیتی در دوره ۱۹۹۵-۲۰۲۱ در کشورهای مورد بررسی  
منبع: داده‌های برنامه توسعه سازمان ملل



نمودار ۲. میانگین درآمد سرانه زنان در دوره ۱۹۹۵-۲۰۲۱ در کشورهای مورد بررسی  
منبع: داده های برنامه توسعه سازمان ملل



نمودار ۳. میانگین امید به زندگی زنان در دوره ۱۹۹۵-۲۰۲۱ در کشورهای مورد بررسی  
منبع: داده های برنامه توسعه سازمان ملل



نمودار ۴. میانگین شاخص آموزش زنان در دوره ۱۹۹۵-۲۰۲۱ در کشورهای مورد بررسی  
منبع: داده های برنامه توسعه سازمان ملل

همانطور که در نمودارها ۱ تا ۴ دیده می شود، بالاترین میانگین شاخص توسعه جنسیتی را در میان کشورهای مورد بررسی، دو کشور کویت و قطر به خود اختصاص داده اند. در اغلب زیرشاخص های توسعه زنان نیز وضعیت این دو کشور نسبتاً مطلوب است. بیشترین تفاوت در زیرشاخص های مربوط به توسعه را درآمد سرانه زنان به خود اختصاص داده است که همانطور که در نمودار ۲ ملاحظه می شود تفاوت بین کشورها در این زیرشاخص قابل توجه است. ایران در زمینه امید به زندگی و شاخص آموزش زنان وضعیت نسبتاً مناسبی را در گروه کشورهای مورد بررسی داشته است، اما در رابطه با درآمد سرانه زنان فاصله زیادی با وضعیت مطلوب دارد.

## ۲.۵ آزمون مانایی متغیرها

اولین گام در جهت برآورد الگوی مورد مطالعه، انجام آزمون مانایی است. به منظور بررسی مانایی از آزمون لوین، لین و چو (LLC) برای بررسی ریشه واحد مشترک استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. آزمون مانایی متغیرها

منبع: یافته‌های تحقیق

متغیر	آماره محاسباتی	P-value	نتایج	درجه مانایی
شاخص توسعه جنسیتی	-۴/۲۱۹	۰/۰۰۰	مانا	I(0)
شاخص آموزش زنان	-۵/۳۹۰	۰/۰۰۰	مانا	I(0)
امید به زندگی زنان	-۳/۶۰۹	۰/۰۰۰	مانا	I(0)
درآمد سرانه	-۴/۲۹۷	۰/۰۰۰	مانا	I(0)
باز بودن تجاری	-۱۴/۶۶۱	۰/۰۰۰	مانا	I(0)
متنوع‌سازی صادرات	-۲/۲۰۸	۰/۰۱۳	مانا	I(0)
نرخ شهرنشینی	-۴/۵۴۰	۰/۰۰۶	مانا	I(0)
نسبت به مخارج دولت به GDP	-۲/۴۷۰	۰/۰۰۰	مانا	I(0)

باتوجه به نتایج آزمون لوین، لین و چو (LLC) آماره برای تمامی متغیرهای تحقیق، کوچک‌تر از ۵٪ می‌باشد در نتیجه فرضیه  $H_0$  رد و فرضیه  $H_1$  مبنی بر مانایی متغیرها پذیرفته می‌شود. بر این اساس نتایج نشان‌دهنده عدم وجود رگرسیون کاذب است.

۳.۵ آزمون‌های گزینش نوع تخمین

برای انتخاب روش برآورد داده‌ها، ابتدا از آزمون چاو (Chow) به منظور بررسی ترکیب‌پذیری (Poolability) داده‌ها استفاده می‌شود. با توجه به نتایج بدست آمده از این آزمون که در جدول ۳ ارائه شده است، فرضیه صفر را، مبنی بر قابلیت ترکیب‌پذیری داده‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد، نمی‌توان رد کرد. از اینرو مقاطع (کشورها) قابلیت ترکیب‌پذیری در الگوی پانل را دارا هستند و می‌توان از این چارچوب برای تخمین داده‌ها بهره برد.

جدول ۳. آزمون قابلیت ترکیب پذیری مقاطع

منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه آزمون	مقدار بحرانی در سطح ۹۵ درصد	آماره F	مدل‌های رگرسیونی
مدل تلفیقی	۱/۳۹	۱/۳۱	مدل اول
مدل تلفیقی	۱/۳۹	۱/۲۷	مدل دوم
مدل تلفیقی	۱/۳۹	۰/۹۸	مدل سوم

تأثیر تنوع صادراتی و بازبودن تجاری بر ... (زهرآ عزیز) ۷۱

مدل تلفیقی	عدم رد فرض صفر	۱/۳۹	۱/۱۴	مدل چهارم
------------	----------------	------	------	-----------

سپس از آزمون F لیمر برای تعیین مدل تلفیقی (Pooled model) در مقابل مدل پانل (Panel model) استفاده می‌گردد. نتایج آزمون F لیمر در جدول ۴ نشان داده شده است. برای مشاهداتی که احتمال آماره آن‌ها بیشتر از ۵٪ باشد یا به عبارتی دیگر آماره آزمون آن‌ها کمتر از آماره جدول باشد، از روش تلفیقی استفاده می‌شود و برای مشاهداتی که احتمال آماره آزمون آن‌ها کمتر از ۵٪ باشد، برای تخمین مدل از روش پانل استفاده می‌شود. در واقع آزمون F روش تعیین نوع مدل رگرسیون ترکیبی (مدل تلفیقی در مقابل مدل پانل) را مشخص می‌نماید.

جدول ۴. آزمون قابلیت تخمین مدل‌ها به صورت داده‌های پانل

منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه آزمون		P-Value	آماره خی دو	آماره F	مدل‌های رگرسیونی
مدل پانل	رد فرض صفر	/۰۰۰۰	۸۴۹/۴۲	۳۶۹/۴۴	مدل اول
مدل پانل	رد فرض صفر	/۰۰۰۰	۲۷۴/۰۰	۳۷/۵۳	مدل دوم
مدل پانل	رد فرض صفر	/۰۰۰۰	۳۹۹/۷۸	۶۹/۰۶	مدل سوم
مدل پانل	رد فرض صفر	/۰۰۰۰	۴۸۳/۶۶	۹۸/۱۹	مدل چهارم

طبق نتایج آزمون F، احتمال آماره آزمون برای چهار مدل مورد بررسی کوچک‌تر از ۵٪ است، بنابراین فرض  $H_0$  (مدل تلفیقی) تأیید نمی‌شود. به بیان دیگر، اثرات فردی و یا گروهی وجود دارد و باید از روش داده‌های پانل برای برآورد مدل‌های رگرسیونی تحقیق استفاده شود.

همچنین از آزمون بروش-پاگان برای انتخاب بین وجود اثرات تصادفی در مقابل مدل تلفیقی استفاده می‌شود که نتایج آن در جدول ۵ برای مدل‌های مورد استفاده در این پژوهش ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون بروش-پاگان

منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه آزمون		P-Value	آماره آزمون	مدل‌های رگرسیونی
پانل با اثرات تصادفی	رد فرض صفر	/۰۰۰	۳۲۷۵/۳۹	مدل اول
پانل با اثرات تصادفی	رد فرض صفر	/۰۰۰	۶۱۲/۸۱	مدل دوم

مدل سوم	۸۷۶/۱۰	/۰۰۰	رد فرض صفر	پانل با اثرات تصادفی
مدل چهارم	۱۷۵۰/۹۰	/۰۰۰	رد فرض صفر	پانل با اثرات تصادفی

در این آزمون فرضیه صفر بیانگر تلفیقی بودن داده هاست. بنابراین رد فرضیه صفر وجود اثرات تصادفی را نسبت به تخمین مدل به صورت تلفیقی مناسب تر تشخیص می دهد. در مرحله بعد از آزمون هاسمن برای تعیین نوع مدل پانل (مدل اثرات ثابت در مقابل مدل اثرات تصادفی)، می شود. نتایج این آزمون در جدول ۶ ارائه شده است.

#### جدول ۶. آزمون هاسمن

منبع: یافته‌های تحقیق

مدل‌های رگرسیونی	آماره خی دو	P-Value	نتیجه آزمون	
مدل اول	۴/۶۲	.۳۲۷	عدم رد فرض صفر	اثرات تصادفی
مدل دوم	۹۰/۱۶	/۰۰۰	رد فرض صفر	اثرات ثابت
مدل سوم	۱۲۷/۰۴	/۰۰۰	رد فرض صفر	اثرات ثابت
مدل چهارم	۵۲/۱۱	/۰۰۰	رد فرض صفر	اثرات ثابت

#### ۴.۵ برآورد الگوی‌های پژوهش

به دلیل اینکه در الگوها مشکل خود همبستگی وجود داشته است، لذا از روش پنل EGLS استفاده و نتایج حاصل گزارش شده است. برآورد مدل‌های تحقیق در جدول ۷ نمایش داده شده است:

#### جدول ۷. نتایج برآورد الگوها

\*\*\* معنی‌داری ضریب در سطح ۹۹ درصد  
\* معنی‌داری ضریب در سطح ۹۰ درصد  
\*\* معنی‌داری ضریب در سطح ۹۵ درصد  
(اعداد داخل پرانتز آماره t می‌باشد)

منبع: یافته‌های پژوهش

متغیرها	مدل اول (درآمد سرانه زنان)	مدل دوم (آموزش زنان)	مدل سوم (امید به زندگی زنان)	مدل چهارم (شاخص توسعه جنسیتی)
عرض از مبدا	-۱۰/۰۹۶*** (-۸/۰۳۶)	-۲۶/۱۲۲*** (-۲۸/۶۳۵)	۱/۸۶۷*** (۲۶/۶۲۸)	-۳/۰۴۲*** (-۱۸/۷۴۷)



تأثیر تنوع صادراتی و بازبودن تجاری بر ... (زهرآ عزیز) ۷۳

۰/۶۷۰*** (۱۷/۸۹۰)	۰/۵۸۳*** (۳۶/۱۶۷)	۵/۹۱۴*** (۲۷/۹۹۵)	۴/۳۰۰*** (۱۵/۱۲۴)	نرخ شهرنشینی
۰/۰۱۱* (۱/۷۹۵)	-۰/۰۰۹* (-۱/۷۶۸)	۰/۰۵۹*** (۳/۵۱۴)	-۰/۰۰۵ (-۰/۰۸۸)	نسبت مخارج دولت به GDP
۰/۰۱۵*** (۴/۰۲۸)	۰/۰۰۷*** (۳/۵۳۶)	۰/۰۴۷** (۲/۵۴۹)	۰/۱۱۲*** (۵/۲۴۲)	بازبودن تجاری
۰/۰۳۳*** (۳/۴۵۶)	۰/۰۲۶*** (۴/۳۷۳)	۰/۰۵۸ (۱/۵۷۲)	-۰/۰۶۳ (-۰/۸۷۸)	متنوع‌سازی صادرات
۰/۹۴۶۹	۰/۹۶۴۸	۰/۹۲۸۸	۰/۵۰۱۲	ضریب تعیین
۳۵۹/۳۹۹	۵۵۳/۱۰۴	۲۶۲/۸۲۶	۷۸/۶۴۰	آماره F
۰.۰۰۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰۰۰	احتمال F

همانطور که در بخش مدل پژوهش توضیح داده شد ۴ الگوی مجزا در این مقاله برآورد گردیده و در جدول ۷ نتایج حاصل از آن ارائه شده است. از آنجا که کلیه متغیرها به شکل لگاریتمی در مدل وارد شده‌اند، ضرایب موجود را می‌توان به عنوان کشش توسعه جنسیتی نسبت به متغیرها تفسیر نمود. بنابراین طبق نتایج بدست آمده از مدل اول، باز بودن تجاری تأثیر مثبت و معنی‌داری بر درآمد سرانه زنان دارد. با افزایش یک درصدی باز بودن تجاری، ۰/۱۱ درصد به درآمد سرانه زنان در این گروه از کشورها اضافه شده است. بر اساس این نتایج باز بودن تجاری با توسعه اقتصادی بیشتر جامعه در سطح کلان، درآمد زنان را نیز افزایش می‌دهد و همچنین به طور مستقیم نیز به دلیل مشارکت بالاتر در اقتصاد، سبب کسب درآمد بیشتر توسط زنان می‌گردد. در گروهی از مطالعات تجربی نیز نتایج نشان داده است که باز بودن تجاری تأثیری مثبت بر درآمد سرانه زنان داشته است. ساجد و یولاه (۲۰۱۴) نشان دادند باز بودن تجاری و سیاست‌های آزادسازی تجاری باعث کاهش یافتن شکاف جنسیتی موجود در اشتغال شده و همچنین باعث افزایش دستمزد زنان نسبت به مردان شده است که در نتیجه آن درآمد زنان افزایش می‌یابد. همچنین جان و همکاران (۲۰۱۳) و گوش (۲۰۲۲) نیز نشان داده‌اند که افزایش تجارت سبب بهبود دستمزد زنان می‌گردد.

متنوع‌سازی صادرات اثر منفی و از لحاظ آماری غیرمعناداری بر شاخص درآمد سرانه زنان داشته است. در فرایند متنوع‌سازی صادرات تنوع کالاهای تولیدی و صادراتی گسترش می‌یابد و این موضوع در کشورهای منطقه مناغلب به صورت فاصله گرفتن از تولید و صادرات کالاهای اولیه و کشاورزی به کالاهای صنعتی و پیچیده‌تر است. بخشی از تأثیرات تنوع صادرات متوجه کسب‌وکار زنان بوده و زمانی می‌تواند به بهبود درآمد آنها منجر شود که

تولیداتشان در سبد صادراتی جدید جای گیرد. از اینرو مهارت‌ها و توانمندی زنان مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در تأثیر تنوع صادراتی بر درآمد آنان است و این می‌تواند دلیلی بر عدم بهره‌مندی زنان از متنوع‌سازی صادرات و تأثیر غیرمعنادار آن بر درآمد سرانه ایشان باشد.

نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی نیز اثر معناداری بر شاخص درآمد سرانه زنان نداشته است. تأثیر مثبت و معنادار نرخ شهرنشینی گویای این مطلب است که هرچه زنان در جوامع شهری و پیشرفته حضور داشته باشند به دلیل امکان اشتغال بیشتر می‌توانند درآمد بیشتری کسب کنند. در صورت افزایش یک درصدی نرخ شهرنشینی میزان درآمد سرانه زنان ۴۳۰ درصد افزایش می‌یابد و این نشان‌دهنده تأثیر قابل ملاحظه نرخ شهرنشینی در بهره‌مندی زنان از اشتغال و همچنین افزایش مشارکت زنان در مشاغل خارج از خانه شده که دریافتی آنان را افزایش می‌دهد. ضریب تعیین مدل نیز حاکی از این است که حدود ۵۰ درصد از تغییرات شاخص درآمد سرانه زنان توسط متغیرهای واردشده در مدل تبیین می‌شود. در بررسی معنی‌دار بودن کلی مدل، باتوجه‌به آماره  $F$  و احتمال آن معنی‌دار بودن کل مدل نیز تأیید می‌گردد.

نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیونی دوم در قالب بررسی تأثیر باز بودن تجاری، متنوع‌سازی صادرات، نرخ شهرنشینی و نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی بر شاخص آموزش زنان نشان می‌دهد که باز بودن تجاری از لحاظ آماری در سطح احتمال ۹۹ درصد تأثیر معناداری بر شاخص آموزش زنان داشته است. با افزایش یک درصدی باز بودن تجاری، شاخص آموزش زنان به میزان ۰۰۴ درصد افزایش یافته است. شولتز (۲۰۰۷) این نتیجه را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که آزادسازی تجاری تأثیری مثبت بر آموزش زنان دارد. در حالیکه مطالعه افشاری و خوشه گل گروسی (۱۳۹۴) اثر غیرمعناداری را در این رابطه به‌دست آورده است.

طبق نتایج بدست آمده متنوع‌سازی صادرات اثر معناداری بر شاخص آموزش زنان نداشته است. نرخ شهرنشینی تأثیر مثبت و از لحاظ آماری معنی‌داری بر شاخص آموزش زنان داشته است. افزایش نرخ شهرنشینی به میزان یک درصد سبب افزایش شاخص آموزش زنان به میزان ۵۹۱ درصد شده است. افزایش شهرنشینی باعث گسترش مدارس و دانشگاه‌ها شده و با تغییر سبک زندگی، آموزش زنان نیز دستخوش تغییرات مثبت می‌شود. نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی نیز اثر مثبت و معنی‌داری بر شاخص آموزش زنان دارد. این تأثیر از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است. از یک سو هرچه سهم دولت در اقتصاد کمتر باشد و

## تأثیر تنوع صادراتی و بازبودن تجاری بر ... (زهرآ عزیز) ۷۵

اقتصاد بازتر شود، باید شاهد پیشرفت‌های زیادی در آموزش، بهداشت و درآمد زنان باشیم. از طرف دیگر افزایش سهم مخارج دولت می‌تواند به معنای افزایش در هزینه‌های بهداشت و درمان و آموزش شود که بهره‌مندی زنان را نیز از این خدمات افزایش می‌دهد. این نتیجه با یافته‌های مطالعه افشاری و خوشه گل گروسی (۱۳۹۴) در رابطه با سطح آموزش زنان همخوانی دارد. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۹۲ درصد تغییرات شاخص آموزش زنان توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده می‌شود و آماره F و احتمال آن نیز معنی‌داری کل مدل را تأیید می‌کند.

نتایج حاصل از برازش معادله سوم گویای آن است که باز بودن تجاری اثر مثبت و معناداری بر امید به زندگی زنان، به عنوان شاخصی از بهداشت، دارد. افزایش یک درصدی بازبودن تجاری سبب افزایش ۰.۰۰۷ درصدی در امید به زندگی زنان شده است. اگر چه مقدار این تأثیر اندک است اما نشان می‌دهد که گسترش آزادسازی تجاری که همراه با شکوفایی و رشد اقتصادی است، می‌تواند منابع دولتی لازم برای توسعه کالاهای عمومی و خدمات مرتبط با بهداشت و سلامت را فراهم آورد و از این طریق به بهبود سلامت زنان کمک کند. نتایج مطالعه شولتر (۲۰۰۷) نیز تأیید کننده تأثیر مثبت تجارت بر بهداشت و سلامت زنان است.

از سوی دیگر متنوع‌سازی صادرات نیز تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص امید به زندگی زنان داشته است. افزایش یک درصدی شاخص تنوع صادراتی منجر به افزایش ۰.۰۲ درصدی در امید به زندگی زنان شده است. در واقع متنوع بودن صادرات یک کشور، نشان‌دهنده سطح دانش و فناوری بالاتر در کشور است و این مساله می‌تواند سطوح بالاتر بهداشت و خدمات درمانی را نیز به دنبال داشته باشد.

ضریب تأثیرگذاری نرخ شهرنشینی بر شاخص امید به زندگی زنان ۰.۵۸ بوده است که نشان می‌دهد هرچه میزان شهرنشینی افزایش یابد، امکان دسترسی زنان به مراکز درمانی و بیمارستان‌ها بیشتر می‌شود. نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی نیز اثر مثبت و معناداری بر شاخص امید به زندگی زنان دارد. افزایش مخارج دولت، به دلیل ایجاد زیرساخت‌ها و امکانات بیشتر از جمله در بخش بهداشت و سلامت باعث بهبود کیفیت زندگی زنان و افزایش سلامت و امید به زندگی آنان می‌شود. ضریب تعیین این مدل نیز بیانگر آن است که ۹۶ درصد تغییرات شاخص امید به زندگی زنان توسط متغیرهای مدل توضیح داده می‌شود و مدل دارای اعتبار آماری است.

در سه مدل قبل تأثیر متغیرهای پژوهش بر زیر شاخص‌های توسعه جنسیتی مورد بررسی قرار گرفت. حال در مدل چهارم تأثیر این متغیرها بر شاخص توسعه جنسیتی بررسی و سنجیده می‌شود. از آنجا که شاخص توسعه جنسیتی از نسبت توسعه انسانی زنان به مردان بدست می‌آید هرچه میزان این شاخص افزایش یابد، نشان می‌دهد که زنان بهره‌مندی بیشتری را نسبت به مردان بدست آورده‌اند. بنابراین از این طریق می‌توان بررسی نمود که تغییرات هر یک از متغیرهای توضیحی، در نهایت بیشتر به نفع کدام یک از گروه‌های جنسیتی بوده است. طبق نتایج بدست آمده از مدل چهارم، باز بودن تجاری تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه جنسیتی داشته است، به طوری که افزایش یک درصدی باز بودن تجاری منجر به بهبود ۰.۱۵ درصدی شاخص توسعه جنسیتی شده است. مطابق با مبانی نظری، شواهد حاکی از آن است که با باز بودن تجاری، توسعه‌یافتگی بیشتر شده و زنان که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند نیز به دلیل ایجاد فرصت‌های درآمدی، آموزشی و بهداشتی بیشتر، از مواهب این توسعه‌یافتگی بهره‌مند شده‌اند. بدین ترتیب به طور کلی باز بودن تجاری برابری بیشتری را از نظر شاخص‌های توسعه یافتگی برای زنان به ارمغان آورده است. در سایر مطالعات تجربی نیز این نتیجه مورد تایید قرار گرفته است. شولتز (۲۰۰۷)، ساجد و یولاه (۲۰۱۴) و گوش (۲۰۲۲) نشان داده‌اند کاهش موانع تجارت منجر به برابری جنسیتی بیشتر می‌گردد.

متنوع‌سازی صادرات نیز تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه جنسیتی زنان داشته است؛ افزایش یک درصدی شاخص تنوع صادراتی، توسعه جنسیتی را به میزان ۰.۳۴ درصد افزایش داده است. متنوع‌سازی صادرات باعث می‌شود در کشورهای حوزه منا که اکثراً صادراتشان تک‌محصولی است، تحولی ایجاد نموده و نه تنها سطح زندگی بالاتری برای آحاد جامعه فراهم می‌شود، بلکه وضعیت زنان را در توسعه جنسیتی بهبود می‌بخشد.

نرخ شهرنشینی اثر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه جنسیتی داشته است و افزایش یک درصدی آن، توسعه جنسیتی را به میزان ۰.۶۷ درصد بهبود داده است. در سه مدل قبلی نیز این تأثیر مثبت تایید شد. در اینجا نیز مشخص می‌گردد این تأثیر بر زنان نسبت به مردان بیشتر بوده است. همچنین مخارج دولت در اقتصاد اثر مثبتی به میزان ۰.۱۱ بر شاخص توسعه جنسیتی داشته است که معناداری آن تنها در سطح اطمینان ۹۰ درصد قابل قبول بوده است. ضریب تعیین مدل چهارم گویای آن است که ۹۴ درصد تغییرات متغیر شاخص توسعه جنسیتی توسط متغیرهای مدل توضیح داده خواهد شد و مدل کلی نیز از لحاظ اعتبار آماری به استناد آماره F و احتمال متناظر با آن معتبر است.

## ۶. نتیجه‌گیری

امروزه اقتصادهای دنیا به سمت بازتر شدن پیش می‌روند و اکنون اکثر کشورهای جهان در سازمان تجارت جهانی عضو هستند تا از مواهب آن بهره‌مند شوند. گسترش تجارت به‌خصوص در منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه اهمیت زیادی دارد، زیرا این کشورها جایگاه مناسبی در عرصه‌های بین‌المللی ندارند و لزوم توجه به بازتر شدن اقتصاد در این مناطق حائز اهمیت است. با توجه به اینکه این کشورها اغلب نفت‌خیز هستند و اکثراً به درآمدهای نفتی خود وابسته‌اند، هرچه به سمت باز بودن تجارت همراه با متنوع کردن سبد صادراتی خود گام بردارند، می‌توانند به لحاظ سطح توسعه‌یافتگی پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای را کسب نمایند. با توجه به پتانسیل‌های موجود در این منطقه توجه به توسعه اقتصادی و به تبع آن توسعه انسانی و توسعه جنسیتی امری ضروری است؛ چراکه بر اساس گزارش برنامه توسعه سازمان ملل (۲۰۲۲)، این کشورها همچنان جایگاه مناسبی در شاخص توسعه جنسیتی ندارند و لزوم کاهش شکاف جنسیتی در آنها بیش‌ازپیش آشکار شده است. از اینرو در این مطالعه اثر بازبودن تجاری و تنوع صادراتی، بر توسعه جنسیتی و زیرشاخص‌های آن بررسی شده است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد باز بودن تجاری و تنوع صادراتی به عنوان دو استراتژی مهم در کشورهای منطقه منا تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه جنسیتی و زیر شاخص‌های مربوط به آن داشته‌اند. سایر مطالعات موجود در رابطه با تأثیر تجارت بر وضعیت زنان نیز اغلب نتایج این مقاله را تایید می‌کنند. به طوری که مطالعات بلک و برینرد (۲۰۰۴)، یاسمین (۲۰۰۹)، رحمان (۲۰۱۱)، جمیلا و کاواباتا (۲۰۱۴) نشان داده‌اند که گسترش تجارت سبب کاهش شکاف دستمزد زنان نسبت به مردان شده و همچنین جان و همکاران (۲۰۱۳)، ساجد و یولاه (۲۰۱۴)، گوش (۲۰۲۲) و گاجوکی (۲۰۲۲) نشان می‌دهند اشتغال زنان با افزایش تجارت بیشتر می‌شود. تعداد اندکی از مطالعات نیز نظیر شولتز (۲۰۰۷) و فاروق و همکاران (۲۰۱۹) نیز تاییدکننده تأثیر مثبت تجارت بر سایر شاخص‌های توسعه زنان نظیر آموزش یا بهداشت هستند.

در این مقاله آثار تجارت و تنوع صادراتی بر ابعاد مختلف توسعه جنسیتی، شامل آموزش، بهداشت و درآمد سرانه زنان مورد بررسی قرار گرفته است و نتایج حاصل نشان‌دهنده وجود اثر مثبت باز بودن تجاری بر توسعه جنسیتی و زیرشاخص‌های آن است. همچنین تنوع صادراتی نیز بر شاخص توسعه جنسیتی و شاخص بهداشت زنان تأثیر مثبت و معناداری در گروه کشورهای بررسی شده داشته است. بدین ترتیب تسهیل تجارت خارجی و ایجاد تنوع در

کالاهای صادراتی می‌تواند علاوه بر آثار مثبتی که بر سایر بخش‌های اقتصاد و رشد آن برجای می‌گذارد، در زمینه توسعه جنسیتی نیز که از ابعاد مهم توسعه یافتگی اقتصادی-اجتماعی جوامع محسوب می‌گردد، اثرات مطلوبی داشته باشد.

به خصوص توجه به موضوع ایجاد تنوع در صادرات که در پژوهش‌ها بدان توجه کمی شده است، در صورت آماده بودن زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، اثرات جنسیتی مطلوبی به همراه دارد. زمانی که سبب صادراتی متنوع است در صورت بروز بحران‌ها، اقتصاد ثبات خود را بیشتر از حالتی که صادرات تک‌محصولی است حفظ خواهد کرد. هرچه سطح ثبات اقتصادی و توسعه‌یافتگی بیشتر شود زنان نیز در جامعه جایگاه واقعی خود را پیدا کرده و در این فرصت ایجاد شده شریک خواهند شد. اقتصاد نفتی یا تک‌محصولی موقعیتی را برای شکوفایی استعدادها و ایده‌های زنان فراهم نمی‌کند؛ اما زمانی که سیاست اقتصادی تغییر کرده و اقتصاد هم‌بازتر و هم‌سبب صادراتی متنوع‌تر شود انگیزه رقابت برای تولید محصولات جدید بیشتر شده و نقش زنان نیز در اقتصاد پررنگ‌تر می‌شود.

با توجه به شواهد تجربی بسیاری که تاییدکننده آثار مثبت تجارت بر رشد و توسعه اقتصادی هستند (نظیر دیویس و کوئین لیوان، ۲۰۰۶؛ حسین و همکاران، ۲۰۱۰؛ مصطفی و همکاران، ۲۰۱۷؛ تسوکالیدا و یانگ، ۲۰۱۹؛ احمدی و حضار مقدم، ۱۳۹۲؛ میرباقری هیر و همکاران، ۱۳۹۳؛ عزیزی، ۱۳۹۵؛ سلاطین و الفت، ۱۳۹۷)، و همچنین نتایج این مقاله، لازم است که دیدگاه جنسیتی در سیاست‌های تجاری گنجانده شود. جهت بهره‌مندی بیشتر زنان از منافع ناشی از تجارت نیاز است سیاست‌گذاران دسترسی به فرصت‌های برابر در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را به صورت عادلانه در تصمیم‌گیری‌ها مدنظر قرار دهند. عدالت در توزیع و بهره‌مندی همه افراد جامعه از فرایند توسعه نشاندهنده وجود توازن در توسعه است و می‌تواند با بهبود وضعیت زنان به عنوان نیمی از جمعیت، توسعه پایداری را برای کشور به دنبال داشته باشد.

## کتاب‌نامه

- احمدی، علی و حضار مقدم، نسرین. (۱۳۹۲). بررسی اثر آزادسازی تجاری روی شاخص توسعه انسانی در کشورهای درحال توسعه، *مطالعات راهبردی جهانی شدن*، ۴(۱۱): ۱۳۴ - ۱۰۹.
- افشاری، زهرا و خوشه گل گروسی، معصومه. (۱۳۹۴). تاثیر مخارج دولت بر نابرابری جنسیتی در آموزش در کشورهای منتخب حوزه‌ی منا. *تحلیل‌های اقتصادی توسعه ایران*. ۳(۴): ۵۲-۳۳.

## تأثیر تنوع صادراتی و بازبودن تجاری بر ... (زهرای عزیز) ۷۹

- افشاری، زهرا و سیاوشی زنگیانی، مائده. (۱۳۹۸). ناترازی نرخ ارز حقیقی و تنوع صادرات غیر نفتی در اقتصاد ایران. *تحلیل های اقتصادی توسعه ایران*، ۷(۹): ۳۳-۹.
- باستانی، سوسن؛ موسوی، مرضیه و حسین پور، فاطمه. (۱۳۹۴). جنسیت و توسعه در کشورهای اسلامی نفتی و بدون نفت، *فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۲۳: ۱۲۳-۱۵۰.
- دیزجی، منیژه؛ عبداللهی، عباس و تقی زاده، حجت. (۱۳۸۹). تأثیر آزادسازی تجاری بر رفاه زنان در کشورهای منتخب جهان، *زن و مطالعات خانواده*، ۲(۱۷): ۸۳-۱۰۲.
- زارع شحنه، محمد مهدی؛ نصراللهی، زهرا و پارسا، حجت. (۱۳۹۸). اثر نامتقارن شوک های نابرابری جنسیتی نیروی کار بر رشد اقتصادی ایران. *اقتصاد و تجارت نوین*، ۱۴(۱): ۳۹-۵۹.
- سلاطین، پروانه و الفت، امیرحسام. (۱۳۹۷). تأثیر آزاد سازی تجاری بر شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب. *تحلیل های اقتصادی توسعه ایران*، ۲(۶): ۱۶۵-۱۴۷.
- طاهرخانی، مهدی. (۱۳۸۳). آثار جهانی شدن بر زنان. *پژوهش زنان*، ۲(۱): ۹۳-۱۱۱.
- عزیزی، زهرا (۱۳۹۵). بررسی اثر تجارت بر توسعه: ارزیابی و مقایسه شاخص های درآمد سرانه، توسعه انسانی و پیشرفت انسانی. *فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه ریزی و بودجه*، ۲۱(۳): ۱۱۹-۱۴۲.
- عزیزی، زهرا؛ پدرام، مهدی و عزیز، پگاه. (۱۳۹۷). نقش متنوع سازی صادرات بر رابطه بین باز بودن تجاری و بی ثباتی رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه منتخب. *فصلنامه پژوهش های اقتصاد ایران*، ۲۳(۷۷): ۱۰۷-۱۳۸.
- مرکز پژوهش های مجلس. (۱۳۸۳). جنسیت و توسعه در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA). گزارش شماره ۷۰۱۶.
- مکیان، سید نظام الدین؛ مصطفوی، سید محمد حسن؛ حاتمی، راضیه و دهقانپور، محمدرضا. (۱۳۹۱). بررسی اثر رشد تجارت بر رشد توسعه انسانی در کشورهای منتخب آسیایی: رهیافت داده های تابلویی، *فصلنامه اقتصاد مقادری*، ۹(۱): ۷۰ - ۵۵.
- میرباقری هیر، میرناصر؛ رحیمزاده، فرزاد و صفوی، سید راشد. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر تجارت بر توسعه انسانی در کشورهای منتخب عضو منا. *فصلنامه علمی پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی*، ۴(۱۶): ۱۰۵-۱۲۰.

- Alwang, J., & Siegel, P. B. (1994). Portfolio models and planning for export diversification: Malawi, Tanzania and Zimbabwe. *The Journal of Development Studies*, 30(2), 405-422.
- Black, S. E., & Brainerd, E. (2004). Importing equality? The impact of globalization on gender discrimination. *ILR Review*, 57(4), 540-559.
- Charles, M. (1992). Cross-national variation in occupational sex segregation. *American Sociological Review*, 57(4), 483-502.

- Davies, A., & Quinlivan, G. (2006). A panel data analysis of the impact of trade on human development. *The Journal of Socio-Economics*, 35(5), 868-876.
- Dunning, T. (2005). Resource dependence, economic performance, and political stability. *Journal of conflict resolution*, 49(4), 451-482.
- Farooq, F., Chaudhry, I. S., Khalid, S., & Tariq, M. (2019). How do trade liberalization and gender inequality affect economic development?. *Pakistan Journal of Commerce and Social Sciences (PJCSS)*, 13(2), 547-559.
- Ferrantino, M. J. (1997). International trade, environmental quality and public policy. *World Economy*, 20(1), 43-72.
- Fontana, M. (2009). The gender effects of trade liberalization in developing countries: A review of the literature. *M. Bussolo & RE De Hoyos. Gender Aspects of the Trade and Poverty Nexus. A Macro-Micro Approach*, 2
- Gachoki, C. M. (2022). Trade Openness and Female Employment: An Empirical Sectoral Analysis from Kenya. *International Journal of Science and Business*, 16(1), 42-58.
- Ghosh, S. (2022), "How trade diversification and economic growth affect gender inequality in female labour market participation? The case of India", *Journal of Economics and Development*, 24 (2), 127-141.
- Hesse, H. (2009). Export diversification and economic growth. *Breaking into new markets: emerging lessons for export diversification, 2009*, 55-80.
- Hirsch, S., & Lev, B. (1971). Sales stabilization through export diversification. *The Review of Economics and Statistics*, 53(3), 270-277.
- Hussain, A., Majeed, S., Muhammad, S. D., & Lal, I. (2010). Impact of globalization on HDI (Human Development Index): case study of Pakistan. *European Journal of Social Sciences*, 13(1), 46.
- Jamielaa, M., & Kawabata, K. (2018). Trade openness and gender wage gap: evidence from Indonesia. *Journal of International Cooperation Studies*, 26(1), 25-40.
- Juhn, C., Ujhelyi, G., & Villegas-Sanchez, C. (2013). Trade liberalization and gender inequality. *American Economic Review*, 103(3), 269-73.
- Kireyev, A. (2021). Diversification in the Middle East: From crude trends to refined policies. *The Extractive Industries and Society*, 8(2), 100701.
- MacBean, A. I., & Nguyen, D. T. (1980). Commodity concentration and export earnings instability: A mathematical analysis. *The Economic Journal*, 90(358), 354-362.
- Mitra, A. (2013). Gender Inequality in the Labour Market. In *Insights into Inclusive Growth, Employment and Wellbeing in India* (pp. 203-262). Springer, India.
- Mukhopadhyay, U., & Chaudhuri, S. (2011). Economic liberalization, gender wage inequality and welfare—a theoretical analysis. *The Journal of International Trade & Economic Development*, 22 (8), 1214-1239.



- Mustafa, G., Rizov, M., & Kernohan, D. (2017). Growth, human development, and trade: The Asian experience. *Economic Modelling*, 61, 93-101.
- Nowakowski, J. M. (2005). Calculating the Impact of Trade on Aspects of Human Development in Central Europe Using Data Envelopment Analysis. *Ekonomika*, 70, 50-65.
- Oniyangi, S. (2013). *The Effects of Natural Resources on Gender Inequality: An Explanation for the Resource Curse?* Doctoral dissertation, Amherst College.
- Radol, C. (2012). Theoretical debates on the concept of "gender equality". *Jurnalul Practicilor Comunitare Pozitive*, 12(1), 5-17.
- Rahman, M. M. (2011). Trade liberalization and gender gap: Bangladesh experience. In *Proceedings of the 13th Annual Conference of the European Trade Study Group (ETSG2011)* (pp. 1-28). European Trade Study Group.
- Ranis, G. (2004). Human development and economic growth. Available at SSRN 551662.
- Ross, M. L. (2008). Oil, Islam, and women. *American Political Science Review*, 102(1), 107-123.
- Sajid, S., & Ullah, S. (2014). Does trade openness boosts gender equality in employment: a case of D8 countries. *Glob. & Sci Issues Stud*, 3(2).
- Samen, S. (2010). A primer on export diversification: key concepts, theoretical underpinnings and empirical evidence. *Growth and Crisis Unit World Bank Institute*, 1, 23.
- Schultz, T. P. (2007). 11 Does the liberalization of trade advance gender equality in schooling and health?. Yale University Economic Growth Center Discussion Paper No. 935.
- Tsokalida, E. E., & Yang, J. (2019). Examining Trade by Destination, Innovation and Human Development in FOCAC. *Open Journal of Business and Management*, 7(03), 1225.
- United Nations Development Programme. (2020). Human Development Report. UNDP.
- United Nations Development Programme. (2022). Human Development Report 2021-2022. UNDP.
- World Bank and World Trade Organization. (2020). Women and Trade: The Role of Trade in Promoting Gender Equality. Available at <http://creativecommons.org/licenses/by/3.0/igo>.
- Yasmin, B. (2009). Trade Liberalization and the Lead Role of Human Capital and Job Attributes in Wage Determination: The Case of Pakistan's Labor Market. *Lahore Journal of Economics*, 14(1), 1-37.